



دکتر علی اکبر

رضایی رضایی

دکترای مدیریت

مؤثر بر فرهنگی از

موضوع

مقاله

مؤثر بر سیاست خارجی مؤلفه‌های فرهنگی

دکتر علی اکبر رضایی

مقاله

پیوند و نزدیکی خوبی با هم برقرار کنند. زبان و رسانه‌ها و افکار عمومی از دیگر عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر سیاست خارجی هستند. جایگاه علمی و تخصصی دانشمندان هم

با نقشی که آنها در تحولات تکنولوژیکی و نظریه پردازی دارند در سیاست خارجی نقش ایفاء می‌کنند. با توجه به اهمیت عنصر فرهنگ در سیاست خارجی و صحنه جهانی؛ این عنصر در کشور ما مهجور واقع شده است. در حالی که قدرتهای معارض با جمهوری اسلامی از این عنصر حداکثر بهره‌برداری را می‌کنند و شاید شریان حیاتی با تأکید بر مقوله فرهنگ و ابزارهای فرهنگی وابسته است. مهمترین نمونه اسرائیل است که سیاستهای جهانی را جهت دهی می‌کند. پنج مؤلفه فرهنگی در فرهنگ سیاسی استخراج شده است که عبارت است از ۱- مذهب ۲- ارزشهای ملی ۳- ارزشهای فرهنگی ۴- ارزشهای فرهنگ جهانی ۵- تجارب تاریخی. باید به همه مؤلفه‌های فرهنگی جامعه ایران توجه داشت. فرهنگ سیاسی ایران الهام گرفته از ناسیونالیسم، اسلام گرایی و فرهنگ جهانی است که می‌تواند ضامن هویت ملی و استقلال ما باشد.

بکارگیری اندیشه‌های جهان شمول، تسک به مذهب، رفع تناقضات حقوقی در سیاست خارجی، همراه کردن دانشمندان، تقویت موقعیت علمی، تدوین نظامنامه امنیت ملی، مبادله افراد اطلاعات و کتب، گسترش زبان و ادبیات فارسی، گسترش هنرها، تعریف نظام جامع تبلیغات خارجی و بهره گیری از رسانه، اجماع ملی نخبگان، یکپارچگی اجتماعی و همبستگی قومی و مذهبی، تقویت اعتبار علمی ایرانیان مهاجر، بکارگیری نیروهای متخصص در دستگاه سیاست خارجی، ایفای نقش فعال در سازمانهای بین المللی بعضی از عناصر مؤثر بر سیاست خارجی می‌باشند.

نحو مختلف به جهان خودشان نگاه می‌کنند. فرهنگ گرایشهای رفتاری مختلف را تعیین می‌کند. مثلاً بحث شهادت در فرهنگ شیعه معنایی دارد که شاید در فرهنگ آمریکایی درک نشود. فرهنگ معیارهای ارزیابی را تعیین می‌کند. اینکه چه خوب است و چه بد است، چه چیز اخلاقی و چه چیز غیراخلاقی است. فرهنگ پدیدآورنده بنیاد ملتها و گروه‌های مختلف است. فرهنگ یک مدل ارتباطی است. فرهنگ تقسیم بندی اجتماعی می‌کند. فرهنگ نظام تولید و مصرف را تبیین می‌کند و اینکه چرا فرهنگ عامل مهمی در سیاست خارجی است.

برخی مؤلفه‌های تأثیرگذار فرهنگی بر سیاست خارجی وجود دارد. ایدئولوژی، ارزشها، اعتقادات، بینش‌ها و هنجارها عمده ترین قسمت فرهنگ را تشکیل می‌دهد. اگر ایدئولوژی با فرهنگ و سنت هماهنگ باشد موجب تحکیم وضعیت موجود می‌شود. افزایش قدرت ملی، بسط و گسترش حوزه مشروعیت نظام سیاسی را به دنبال دارد و روحیه ملی را تقویت می‌کند ولی اگر ایدئولوژی با فرهنگ ناهماهنگ باشد، باعث تبعیض، جدایی و تنش در جامعه می‌شود.

میزان یکپارچگی قومی و مذهبی جامعه، انسجام داخلی و یکدست بودن جامعه عامل دیگر تأثیرگذار بر سیاست خارجی است. زمانی که تنوع قومی، مذهبی در جامعه زیاد باشد می‌تواند جامعه را دچار چالش کند و طبعاً انسجام استراتژیک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اهداف ملی در شرایطی شکل می‌گیرند که تمامی جامعه در چارچوب اهداف یکسان و مشخصی به انسجام و هماهنگی دسترسی پیدا کنند. زمینه‌های تاریخی و فرهنگی که به صورت خودآگاه و یا ناخودآگاه و مستقیم و غیرمستقیم، تصمیم گیرندگان سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کشورهایی که دارای تاریخ مشترک هستند، به دلیل تجارب مشترک می‌تواند

در این تحقیق مدیریت فرهنگی از منظر یک مؤلفه قدرت در نظام بین الملل و اینکه فرهنگ چه مقدار در شکل دهی سیاست خارجی کشورها تأثیرگذار

است مطرح شده است. شاید دغدغه خیلی از پژوهشگران این باشد که پایه سیاست خارجی، نفت و گاز و بازار بزرگ کشور برای شرکتهای خارجی باشد.

قصد نداریم فرهنگ را به عنوان یک عامل تک بعدی نگاه کنیم و به صورت عامل جبرگرایانه. زیر بنای تحولات جامعه بدانیم. گرایشهایی وجود دارد که روابط بین الملل را دارای یک بعد فرهنگی می‌دانند به عنوان مثال این گرایش معتقد است همانطور که پاکت نامه نقش کمربندی در ارسال یک نامه دارد فرهنگ هم اینچنین است در مقابل عده ای اعتقاد دارند عوامل فرهنگی نسبت به عوامل سیاسی و اقتصادی دارای استقلال است و برخی پدیده‌ها صرفاً به وسیله عوامل فرهنگی قابل توضیح هستند؛ مثل اقلیتهای قومی و نژادی در مقابل فرآیندها و در نهایت عده ای فرهنگ را عنصری تعیین کننده می‌دانند که می‌تواند رفتارهای بین الملل را توضیح بدهد.

با رشد ابزارهای فرهنگی، مأموریت دولتها صرف توجه ویژه و ظرفتهای جدیدی شده است. امروز فرهنگ دروازه‌های برای فتح جهان و به عنوان یک منبع قدرت به شمار می‌رود و مدیریت فرهنگی با مدیریت سیاست خارجی گره خورده است. در کشورهای توسعه یافته در کنار نهادهای سیاسی و اقتصادی نهادهای قدرتمند فرهنگی حضور دارند که مبتنی بر شرایط روز، نظریه پردازی می‌کنند و راهکار ارائه می‌دهند. نگاه به سازمان ملل و سازمانهای بزرگ جهانی نشان می‌دهد که با دغدغه فرهنگی کارشان را آغاز کرده‌اند مثل صلح، حقوق بشر و ایجاد فرصت برای توانمندسازی و قوت بخشی به کشورهای ضعیف.

تأثیرگذاری فرهنگ بر روابط بین الملل از طریق ۷ کار ویژه مخصوص صورت می‌گیرد. فرهنگ چگونگی نگرش به جهان را تعریف می‌کند. طبیعی است یک روحانی در ایران با یک سیاستمدار در آمریکا به دو

